

## اتحادیه مسلمین

○ حمید کرمی پور<sup>۱</sup>

اشاره

فاصله زمانی پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که از مقاطع مهم و سرنوشت ساز تاریخ معاصر ایران محسوب می شود، موضوع پژوهشهای متعدد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته است. تمایز و تفاوت این برهه زمانی، نسبت به ادوار پیش و پس از آن، دوره مورد بحث را به عنوان یک موضوع پرکشش برای صاحب نظران سیاسی و فرهنگی مطرح ساخته است؛ به گونه ای که علی رغم گذشت چند دهه، جذابیت و اهمیت خود را برای اهل تحقیق از دست نداده است.

صحنه سیاسی و فرهنگی تهران و چند شهر بزرگ ایران در این دوره، عرصه تبلیغات و فعالیت گروهها و احزاب و حتی افرادی شد که با الهام از مکاتب و گرایشهای فکری گوناگون، در صدد جلب و جذب اقشار تحصیل کرده و دیگر گروههای شهری برآمدند. حجم گسترده نشریات، روزنامهها، تشکلهای جمعیتهای سیاسی، فرهنگی و دینی دوره مورد بحث به وضوح از رقابت و مبارزه نزدیک و تنگاتنگ آنان خبر می دهد.

تغییرات و تحولات گسترده در صحنه سیاسی، زمینه فعالیت را برای احزاب و گروههایی که در دوره استبداد رضاخانی، ناچار به برچیدن بساط خود شده بودند، هموار ساخت. شناخت و معرفی احزاب و گروههای فعال این دوره، همچنان مورد توجه مورخان و محققان تاریخ

معاصر ایران است؛ زیرا اسناد، مدارک و خاطراتی که از فعالیتهای آنان به دست آمده و یا منتشر شده است، امکان تحقیق و پژوهش را در این زمینه ممکن ساخته است.

مقایسه آثار چاپ شده درباره دوره مورد مطالعه به وضوح نشان می دهد که بیشترین حجم و گسترده ترین نوشته ها، به فعالیت حزب توده و احزاب و گروههای ملی اختصاص یافته و به نقش گروهها و افراد برجسته مذهبی در تحولات این دوره به ندرت توجه شده است. به نظر می رسد، یکی از مهمترین علل چنین رویکردی به تاریخ دوره مورد بحث، تعلق عناصر مذهبی در انتشار گزارش فعالیتهایشان باشد؛ زیرا نگاهی گذرا به خاطرات شخصیهایی که از دور یا نزدیک، دستی در حوادث این دوره داشته اند، نشان می دهد حتی افراد برجسته این گروه، تمایل چندانی به نگارش تجربیات و خاطرات خود در آن روزگار، از خود نشان نداده اند. از این رو، کارنامه و عملکرد گروههای مذهبی، چنان که شایسته آن باشد، کاویده نشده است، حال آنکه به گواهی اسناد معتبر و موثق، که بخشی از آن در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته و معرفی خواهد شد، تأثیر گذاری آنان در عرصه فرهنگی، که مهم ترین آوردگاه احزاب و گروهها بود، از گستردگی و عمق زیادی برخوردار بود، به گونه ای که در این ارتباط، جریانهای ضددینی را به طور جدی به چالش کشانید. این مقاله با بررسی عملکرد «اتحادیه مسلمین» که در سال ۱۳۲۴ ش تأسیس شد درصدد اثبات این فرضیه است.

اسناد مورد استفاده در این مقاله، مجموعه نامه ها، صورت جلسه ها و گزارشهایی است که در نشریه ماهانه مسلمین ارگان اتحادیه مسلمین چاپ شده است.

بیشتر اسناد فوق، صورت جلسه مذاکرات هیئت مدیره اتحادیه مسلمین است که به لحاظ ارائه گزارش درونی از مذاکرات و گفتگوهای اعضای اتحادیه فوق، از اعتبار و سندیت فراوانی برخوردار است. همچنین برخی از اسناد انجمن تبلیغات اسلامی، در ابتدای مجموعه اسناد آورده شده که بستر و مقدمه تشکیل اتحادیه مسلمین را روشن می سازد. اساس نامه و مرام نامه انجمن تبلیغات و اتحادیه مسلمین به طور کامل در مجموعه حاضر گنجانده شده تا شباهت این دو، هم در نحوه تأسیس و هم در کارکرد و وظایفشان نشان داده شود.

نامه هایی که از اتحادیه مسلمین خطاب به مسئولان رژیم پهلوی ارائه گردیده، از مجله مسلمین اخذ شده که البته در ضمیمه کتاب حاج سراج انصاری چهره ای در خشان در عرصه مطبوعات نوشته رسول جعفریان هم آمده است.

در مجموع، اسناد فوق به دلیل پرداختن به مسائل مختلف، زمینه بحث و تحقیق گسترده درباره اتحادیه مسلمین را فراهم می سازد. اما چون این نوشته در قالب مقاله می باشد،

پرداخت گسترده و عمیق تر این موضوع مجال بیشتری می طلبد، با این حال، سعی بر آن بوده تا مهم ترین موضوعاتی که ذهن اعضای اتحادیه مسلمین را به خود جلب کرده و موجب تحرک سیاسی و اجتماعی آنها گردیده بود از لابلای اسناد فوق استخراج گردد.

#### نیروهای مذهبی در ابتدای دهه بیست

شناخت و معرفی تشکلهای و جمعیتهایی که مستقیم یا غیرمستقیم صبغه دینی داشتند و در ابتدای دهه ۱۳۲۰ در عرصه فرهنگی و سیاسی جامعه ایران شکل گرفتند، وسیله مؤثری برای معرفی اتحادیه مسلمین و علل و چگونگی تأسیس آن به حساب می آیند. یکی از نخستین و مهم ترین تشکلهای دینی که در ابتدای دهه ۱۳۲۰ تأسیس شد و به سرعت دامنه فعالیت خود را از تهران به شهرهای اصفهان، شیراز، مشهد، کرمانشاه، آبادان، رشت، فومن، اهواز، بهبهان، بندر امام و کرمان گسترش داد، «انجمن تبلیغات اسلامی» بود که توسط عطاءالله شهاب پور (کرمانشاهی) در فروردین ۱۳۲۱ تشکیل شد. انگیزه اصلی شهاب پور از ایجاد چنین تشکلی، مبارزه و رویارویی با فضای غیرمذهبی و ضددینی آن دوره بود. نگاهی گذرا به اکثر روزنامه‌هایی که در این دوره منتشر می شد، نشان می دهد که گفتمان حاکم در آن دوره، بویژه در میان گروههای روشنفکر و تحصیل کرده، با آموزه‌های دینی فاصله و گاه تضادی آشکار داشت. برای درک بهتر زمینه‌های تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی، باید اساس نامه آن را بررسی کرد که هیئت مدیره انجمن آن را در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ ش برای علی سهیلی، نخست وزیر وقت، ارسال نموده‌اند.<sup>۲</sup> علل و انگیزه تأسیس این انجمن از زبان بنیان گذار یا به وجود آورندگان آن چنین است:

«... جامعه امروز ما که غرق در مادیات شده، روز به روز به راهی می رود که معلوم نیست عاقبت آن چه خواهد شد. جامعه‌ای که در ظاهر مسلمان است و در باطن جز نامی از اسلام ندارد، جامعه‌ای که ریشه فساد در آن دامن زده... و نسبت صالحان به سایرین روز به روز به طور مخفی کم می شود، بیش از هر چیز محتاج است که تکانی به خود داده از نعمت دین استفاده کند... منظور اصلی ما در ایجاد این فکر (تأسیس انجمن تبلیغات اسلامی) بیشتر کمک و راهنمایی جوانانی است که در اثر آشنا شدن به تمدن امروزه اروپایی و فراگرفتن اندکی از معلومات علمی تصور می کنند دین و مذهب با تمدن متباین است و اصلاً دینی وجود ندارد و انسان باید طبیعت را مظهر همه چیز بداند. می خواهیم به آنها بفهمانیم که تنها دینی که با تمدن منطبق می شود (دین دیروزی، دین امروزی و دین فردا) فقط دین مبین اسلام است. می خواهیم از توسعه فساد اخلاق جلوگیری کنیم و اساس آن را رفته رفته محو سازیم. به علاوه در نظر داریم به اروپاییان و کسانی

که در مذاهب دیگر متولد شده‌اند و به تمام پیروان ادیان دیگر گوشزد نماییم که دین اسلام همان است که پیمبران آنها در کتاب خود به آن مژده داده‌اند... می‌خواهیم به طلاب علوم دینی که وسایل مادی برای تحصیل ندارند کمک نماییم و در شهرهایی که دارالعلم به شمار می‌روند مؤسساتی برای کمک به دانشجویان دینی برپا کنیم...»<sup>۳</sup>

انجمن تبلیغات اسلامی در واکنش به فعالیتهای غیرمذهبی و ضدمذهبی مراکز مهم فرهنگی جامعه، با تمام امکانات، حوزه فعالیت خود را بر تبلیغ تعالیم و آموزه‌های دینی، مبارزه با تبلیغات بهیابان، تشکیل حوزه‌های علمیه، اعزام مبلغان به شهرهای دور دست، تشکیل کلاسهای قرآن و اقداماتی از این قبیل متمرکز ساخت.<sup>۴</sup> همچنین در طول دوره نهضت ملی نفت، از فعالیتهای آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق حمایت می‌کرد و به این منظور در ۲۲ تیر ۱۳۳۰ میتینگ بزرگی ترتیب داد.<sup>۵</sup> این انجمن برای انتشار افکار و علایق دینی خود، سال‌نامه نور دانش و مجد را در شمارگان گسترده چاپ و توزیع کرد<sup>۶</sup> و بدین ترتیب پانزده هزار نفر را به عضویت تشکیلات تبلیغی خود درآورد.<sup>۷</sup>

«جامعه تعلیمات اسلامی» دیگر تشکل اسلامی است که در دهه ۱۳۲۰ در تهران تأسیس شد و سایر شهرهای کشور را هدف فعالیتهای خود قرار داد. این جامعه توسط حاج شیخ عباسعلی سبزواری معروف به اسلامی ایجاد شد. او که تحصیلات دینی را در نجف و هندوستان گذرانده بود، با کوله باری از تجربه، در ۱۳۲۲ ش «جمعیت پیروان قرآن» را بنا نهاد، که وظیفه آن آموزش قرآن به دانش‌آموزان بود. پس از اقبال و توجه بازاریان متدین به این جمعیت، شیخ عباسعلی اسلامی با حمایت مراجع دینی و متمولان متدین، نخستین مدرسه دخترانه تهران را در خیابان ایران تأسیس کرد و به سرعت زنجیره مدارس اسلامی را با نام «جامعه تعلیمات اسلامی» بنا نهاد. جامعه تعلیمات اسلامی صاحب بزرگ‌ترین مدارس غیردولتی در عصر پهلوی دوم بود.

انگیزه اصلی اسلامی در تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی، رویارویی و مقابله با فرهنگ غیراسلامی آن دوره بود، زیرا تأکید او بر جداسازی مدارس دخترانه و پسرانه، آموزش قرآن و تعالیم اسلامی در کنار اصول و دروس علمی بود. این جامعه فعالیتهای خود را از سال ۱۳۲۳ ش آغاز و در ۱۳۲۸ ش با کسب مجوز به طور رسمی به فعالیت پرداخت.<sup>۸</sup>

#### بنیان‌گذار اتحادیه مسلمین

«اتحادیه مسلمین» به سال ۱۳۲۴ ش در تهران و به تدریج در شهرهای دیگر تأسیس شد. مؤسس آن، روحانی نوگرایی به نام حاج شیخ مهدی سراج انصاری بود. او در تشکیل این

اتحادیه نقش محوری و اساسی داشت و با توجه به اینکه وی از چهره‌های مطرح و معروف و تشکیلاتی نیروهای دینی در این دوره به شمار می‌آید، معرفی اجمالی وی، گوشه‌هایی از تلاش فرهنگی نیروهای مسلمان در آن دوره را روشن می‌نماید.

مهدی سراج انصاری به سال ۱۲۷۵ ش در نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش آیت‌الله میرزا عبدالرحیم کلیبری انصاری از شاگردان آیت‌الله میرزای شیرازی بزرگ، آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌الله رشتی بود و تأثیری عمیق بر شخصیت پسرش نهاد و به عنوان نخستین استاد و معلم او، چارچوب شخصیت وی را شکل داد.<sup>۹</sup>

او در ۱۲۸۳ ش در هشت سالگی به تبریز رفت و تاسی سالگی در این شهر ماند. در این مدت با مسائل ایران دوره رضاشاه آشنا شد و اندیشه احیای باورهای دینی در ذهن وی نقش بست. همچنین با کسروی که هنوز ماهیت ضددینی خود را روشن نساخته بود در نشریه پیمان آشنا شد و حتی با وی مراوده و بحث و گفتگو داشت.<sup>۱۰</sup> آنها در مدرسه طالبیه تبریز همدرس بودند.

با تشدید سیاست ضد مذهبی رضاشاه، انصاری در ۱۳۱۳ ناچار به ترک ایران و اقامت در شهر کاظمین عراق گردید. در این مدت با آیت‌الله هبة‌الدین شهرستانی، از شخصیت‌های علمی و فرهنگی مطرح و معروف عراق، آشنا شد و از محضر درس وی بهره برد. آیت‌الله شهرستانی از روحانیان نوگرایی بود که برای دفاع از تعالیم اسلام، از علوم روز نیز استفاده می‌کرد. این شیوه به شاگردش انصاری نیز منتقل شد و او را در تبلیغات و کسب نقش و جایگاه برجسته در جامعه کمک کرد.<sup>۱۱</sup>

روابط این دو به سرعت به دوستی عمیق و پایداری تبدیل شد، زیرا در ۱۳۱۷ ش به همراه یکدیگر راهی ایران گردیدند و در چند شهر از جمله تهران و تبریز به تبلیغ و کار فرهنگی پرداختند. اما به دلیل سیاست‌های فرهنگی رضاخانی، ناچار به بازگشت دوباره به عراق شدند.<sup>۱۲</sup> یکی از تأثیرات زندگی در عراق بر شخصیت سراج انصاری، آشنایی و علاقه مندی به فعالیتهای مطبوعاتی بود. وی با مطالعه نشریات متعددی که در بغداد و نجف منتشر می‌شد، به دلیل آشنایی با بسیاری از نویسندگان آن نشریات، از نزدیک با این حرفه آشنا شد و بعدها که به ایران بازگشت از آن تجربیات در کارهای فرهنگی اش استفاده کرد.<sup>۱۳</sup>

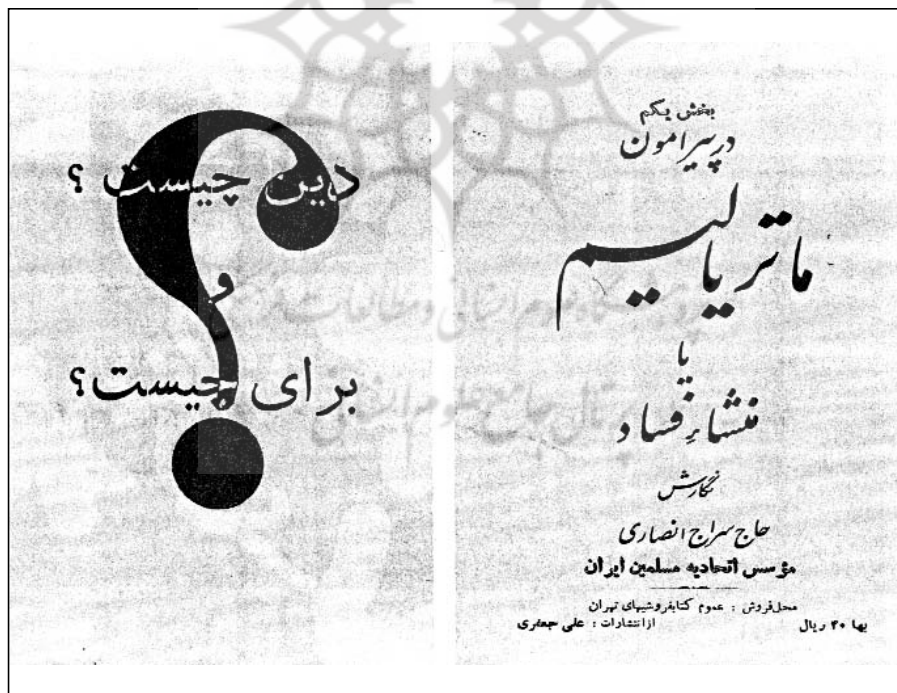
حاج سراج انصاری در سال ۱۳۲۲ ش عراق را ترک و راهی ایران شد و برای همیشه در ایران ماند. ورود او به تهران، هم زمان با اوج فعالیتها و تبلیغات ضد مذهبی کسروی بود. در آن زمان، کسروی کتاب شیعیگری را منتشر کرده بود و در قالب حمله علیه خرافات، بسیاری از اعتقادات شیعه را مورد حمله و تمسخر قرار داده بود. همچنین تبلیغات گسترده حزب توده و جذب بسیاری از تحصیل کردگان و روشنفکران از سوی آنان، بسیاری از فرهیختگان مذهبی را وادار

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

به چاره‌جویی برای برون رفت از بحران نمود. از این رو، انصاری در نخستین روزهای ورودش به ایران با نشریه آیین اسلام با مدیریت نصرالله نوریانی، همکاری نزدیکی برقرار ساخت و با نگارش مقالات استدلالی و روشنگر خود به رویارویی با اندیشه‌های کسروی پرداخت.<sup>۱۴</sup> همچنین سراج انصاری برای رویارویی تشکیلاتی با فعالیتهای کسروی در ۱۳۲۳ش، «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» را به راه انداخت که از دیگر شعارهای آن لزوم حفظ حجاب و دیگر شعایر دینی بود.<sup>۱۵</sup>

بسیاری از روحانیان و عناصر دینی او را در فعالیتهایش یاری می‌دادند، از جمله نواب صفوی که انصاری تأثیر فراوانی بر وی داشت.<sup>۱۶</sup> جمعیت مبارزه با بی‌دینی کارکردی شبیه انجمن تبلیغات اسلامی اما با حوزه عمل کوچک‌تر، داشت، ولی اهمیت آن بسترسازی و هموار ساختن راه تشکیل اتحادیه مسلمین بود. انصاری تا شماره ۳۱ نشریه آیین اسلام، یعنی تا زمان تشکیل اتحادیه مسلمین، با آن همکاری کرد. چنان‌که گفته شد، بیشتر مقالات او بر ضد کسروی و اندیشه‌های او بود. سلسله مقالات او بر ضد کتاب شیعیگری و در دفاع از آیین تشیع، بعدها در قالب کتابی با عنوان «شیعه چه می‌گوید» منتشر شد.

۹۶



### تأسیس اتحادیه مسلمین

چندی پس از ورود انصاری به ایران، دامنه تبلیغات احزاب، گروهها و تشکلهای گوناگون سیاسی و فرهنگی در تهران و شهرهای بزرگ افزایش یافت؛ بر قدرت توده‌ایها افزوده شد؛ فعالیت بهاییها توسعه یافت؛ حتی برخی از نشریه‌ها و آثار متعلق به نیروهای ملی؛ حاوی مطالب غیرمذهبی و ضد روحانیت بود. در همین زمان بسیاری از سرزمینهای اسلامی دستخوش مشکلات و مصایب بزرگ و بی‌شماری گردید. یهودیان با همکاری انگلیس و فرانسه، در فلسطین دولت تشکیل دادند و با اعراب به جنگ برخاسته، بسیاری از آنان را از خانه و کاشانه خود آواره ساختند. در الجزایر و مراکش، استعمارگران فرانسوی به اشغالگری خود ادامه داده مبارزان مسلمان را به شهادت رساندند. در هندوستان بسیاری از مسلمانان بویژه در کشمیر، قتل عام شدند و در دیگر نقاط این کشور، سیکها و هندوها، خانه‌های مسلمانان را به آتش کشیدند. مشکلات گوناگون فوق، انصاری را به این نتیجه رساند که تنها مسیر نجات و اصلاح در امت اسلامی، اتحاد مسلمانان می‌باشد.

سراج انصاری در دوره همکاری با نشریه آیین اسلام و نیز زمانی که نشریه دنیای اسلام به مدیریت سید محمدعلی تقوی در ۲۰ مهر ۱۳۲۵ آغاز به کار کرد، موفق به شناسایی و همکاری با نویسندگان مسلمان گردید. او خود نویسنده ثابت و همیشگی مطالب این دو نشریه بود. انصاری مطالب دنیای اسلام را در منزل شخصی خود تهیه می‌کرد و نوریانی مدیر مسئول آیین اسلام، نیز عضو هیئت مدیره اتحادیه مسلمین بود. بدین ترتیب بسیاری از شعارها و اعلامیه‌های اتحادیه مسلمین در دنیای اسلام به چاپ می‌رسید. همکاری نزدیک انصاری با این دو نشریه، موجب دوستی وی با فرهیختگان مذهبی و حتی برقراری رابطه مستمر آنها با یکدیگر شد. دوستی وی با آیت الله سید محمود طالقانی به واسطه انتشار مقالات آنان در دو نشریه فوق برقرار شد.<sup>۱۷</sup>

رفع مصایب و مشکلات آنان و نیز دغدغه رویارویی با سیاستها و فضای غیردینی جامعه، مهم‌ترین دلمشغولی عناصر فرهیخته دینی در آن روزگار بود. انصاری بیش از دیگران توانست اندیشمندان مسلمان را برای فعالیتهای فرهنگی، سازماندهی کند.

انصاری که «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» را نیز تجربه کرده بود، با توجه به افزایش مشکلات مادی و معنوی مسلمانان ایران و نقاط دیگر جهان، فکر تأسیس مرکز تازه و کارآمدتری در ذهن داشت. از این رو به طور غیررسمی در ۱۳۲۴ ش، «اتحادیه مسلمین» را که چند سال بعد به اتحادیه مسلمین ایران معروف شد، تأسیس کرد که با آغاز نهضت ملی نفت و از سال ۱۳۲۹ ش بر فعالیتهای خود افزود و نشریه ماهانه «اتحاد مسلمین» را برای بیان افکار خود به

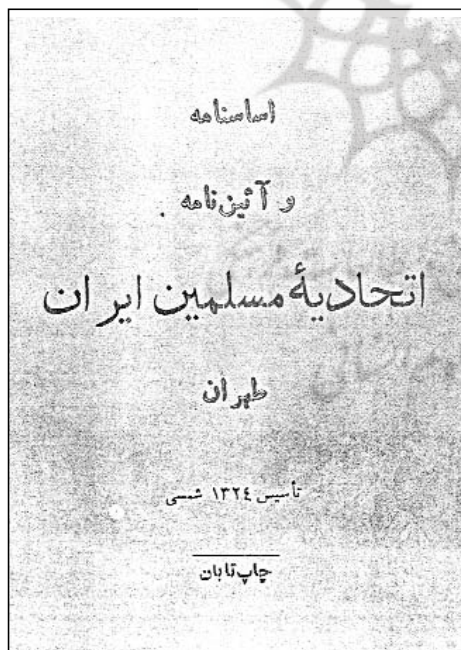
چاپ رسانید.<sup>۱۸</sup>

مطالعه اسناد به جای مانده از اتحادیه مسلمین نشان می دهد که انصاری، بنیان گذار و شخصیت محوری آن بود، به طوری که روی جلد کتاب «در پیرامون ماتریالیسم»، زیر اسم انصاری، عنوان «مؤسس اتحادیه مسلمین» قید شده است.<sup>۱۹</sup>

البته منظور از واژه اتحادیه، مجموعه احزاب یا گروهها نیست، بلکه منظور از ترکیب اتحادیه مسلمین، تأکید بر جنبه های وحدت و یکپارچگی مسلمانان است، زیرا اتحادیه فوق هیچ گاه ترکیبی از گروهها یا احزاب و دستجات نبوده است.

اتحادیه مسلمین ایران در سال ۱۳۲۸ ش به طور رسمی فعالیتهای خود را آغاز کرد و تشکیلات و صبغه حزبی به خود گرفت. اعضای هیئت مدیره آن که از نویسندگان معروف مذهبی آن زمان به شمار می رفتند عبارت بودند از: حاج سراج انصاری، سرهنگ احمد اخگر، آیت الله سید محمود طالقانی، سید غلامرضا سعیدی، میرزا عبدالحسین شوشتری، دکتر صدرالدین نصیری، نصرت الله نوریانی، محمدی اردهالی، عطاء الله شهاب پور، شیخ مهدی شریعتمداری، دکتر سید ابراهیم انگجی، سید مرتضی خلخالی، صباح کازرونی، بدرالدین نصیری.

۹۸



در نخستین جلسه هیئت مدیره، انصاری به عنوان رئیس، سرهنگ اخگر نایب رئیس و دکتر نصیری به عنوان مدیر داخلی و برگزیده شدند. اگرچه اعضای فوق ثابت نبودند و در صورتی که هر یک از اعضا به دلایلی از حضور در جلسات امتناع می ورزیدند، فرد دیگری به جای وی گمارده می شد، چنان که دکتر عبدالحسین کافی، بعداً به عضویت هیئت مدیره درآمد. یکی از منابع مهم و اساسی برای مطالعه علل تشکیل اتحادیه مسلمین، اساس نامه این جمعیت است که در ضمن، وضعیت فرهنگی این دوره را نیز مشخص می کند. در مقدمه اساس نامه فوق چنین آمده است: «... جهان آشفته اجتماع بشری همیشه و





مخصوصاً در عصر حاضر مانند دریایی منقلب و توفانی است... عصر حاضر مظهر روش تعارض افکار مختلف و میدان مبارزه هوسهای گوناگون بشری است که طبقات متعدد خاندان بشر را همچون گوی سرگردانی در میدان کشمکش زندگی سرگشته و حیران به چپ و راست می راند و جز اضطراب و تشمت و اختلاف برای فرزند آدم نصیب و بهره ای فراهم ننموده است...»<sup>۲۰</sup>

از عبارات فوق، فعالیت و تبلیغات گسترده گروههای سیاسی، که فضای فرهنگی پایتخت را عرصه تاخت و تاز خود ساخته بودند، کاملاً روشن می گردد. همچنین در اساس نامه، سه ایدئولوژی را که در میان جوامع بشری، از جمله ایران، طرفداران فراوانی یافته اند، «ایدئولوژی کاپیتالیزم یعنی مکتب سرمایه داری»، «ایدئولوژی کمونیزم یعنی مکتب اشتراکی»، و «ایدئولوژی اسلام یعنی مکتب قرآن» معرفی شده است.<sup>۲۱</sup>

اتحادیه مسلمین در اساس نامه خود، پس از معرفی و مقایسه این سه مکتب فکری، اسلام را دین «واسطه» خوانده، که هم بر آزادی فرد و هم منفعت اجتماع استوار شده است، به گونه ای که تأمین سعادت و آسایش بشر را هم از «وجهه فردی» و هم از «لحاظ اجتماعی» تثبیت و تضمین کرده است.<sup>۲۲</sup> بنابراین، وظیفه اتحادیه مسلمین، اثبات حقانیت دین اسلام در برابر ایدئولوژیها و مکاتب فکری بود که در آغاز دهه ۱۳۲۰ با تبلیغات گسترده و با امکانات فراوان توانسته بودند در مراکز فرهنگی از قبیل دانشگاهها، آموزشگاهها و حتی مراکز کارگری رخنه

نمایند و طرفداران فراوانی از میان آنها در اختیار گیرند.

چنان که گفته شد توجه به مشکلات دنیای اسلام، بخش مهم دیگری از اقدامات اتحادیه مسلمین به شمار می‌رفت. اصل پنجم اساس نامه فوق در این باره چنین بیان نموده است: «ایجاد الفت و محبت افراد مسلمین دنیا و ابراز هم‌دردی در مواقع گرفتاریهای مسلمین جهان و ائتلاف دادن فیما بین جمعیت‌های دینی عالم اسلام و اهتمام و کوشش کردن در از میان بردن وسایل نفاق به وسیله تشکیل یک کنگره اسلامی طبق برنامه مخصوصی که هیئت مدیره اتحادیه مسلمین ایران تنظیم نموده و اعلام خواهد داشت.»<sup>۲۳</sup>

برای عمل به اساس نامه و وفاداری نسبت به اصول آن بود که اتحادیه مسلمین از منافع مردم فلسطین، کشمیر، الجزایر و مراکش دفاع می‌کرد.

یکی از اهداف مهم گروه‌های فعال در صحنه سیاسی ایران در دهه ۱۳۲۰، جذب جوانان و توجه دادن آنان به اندیشه‌ها و آرمانهای خود بود. بدین جهت اتحادیه مسلمین نیز در صدد جلب جوانان به اصول و تعالیم اسلامی برآمد. از این رو، حاج سراج انصاری در ۲۸ فروردین ۱۳۳۱ تأسیس سازمان جوانان مسلمین را به هیئت مدیره پیشنهاد داد که به اتفاق آراء مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۲۴</sup> به دنبال آن، سازمان فوق تشکیل شد و ولی‌الله یوسفیه به ریاست آن انتخاب و کتابخانه‌ای هم برای آن ساخته شد.<sup>۲۵</sup>

از فعالیت‌های سازمان جوانان مسلمین، گزارش‌هایی بر جای مانده که نشان دهنده حساسیت این کانون و عکس‌العمل آن در برابر رویدادهای آن دوره می‌باشد. یکی از اتفاقاتی که از اواسط دهه ۱۳۲۰ در کانون توجه روزنامه‌ها و محافل روشنفکری و حتی عامه مردم قرار گرفت و پیرامون آن، بحث‌ها و مطالب فراوانی جریان یافت، فعالیت‌های مستمر انگلیس در بحرین به بهانه استقلال بخشیدن به این سرزمین بود. سازمان جوانان مسلمین نسبت به اقدامات مداخله جویانه انگلیس در بحرین اعتراض کرد و ولی‌الله یوسفیه در مجله مسلمین با نگارش مقاله‌ای، خواستار مقابله مردم در برابر استعمارگران گردید. نکته جالب توجه در رویکرد اتحادیه مسلمین به این موضع، نگاه ضداستعماری و مذهبی آن است که با نگرش افراطی ملیت پرستی دیگر احزاب و گروه‌های این روزگار، تفاوت ماهوی داشت. مثلاً در بخشی از مقاله فوق چنین آمده است: «انگلیسیها به قدری در امور بحرین مداخله مستقیم می‌کنند که حتی در اوقات مساجد و پیش نماز ما مداخله [می‌کنند] و با این حال خوشمزه است که وقتی ایران مطالبه حق خود را در آنجا می‌کند، بعضی از عربها یا عمال تبلیغاتی انگلیس به نام تعصب عربی در مقابل او بلند می‌شوند و آنجا را یک جزیره عربی می‌خوانند.»<sup>۲۶</sup>

اتحادیه مسلمین مشکل بحرین را نه از نگاه ناسیونالیستی و پان ایرانیستی، بلکه از دریچه

ولی امر پیوسته

نابودن بان گسانیکه میخو اهند بحرین را از ایران جدا نمایند - دیگر هیچ ملتی نمیتواند مثل قرنهای گذشته بوده و بنده یککشه استعمار و استعمار گران قرار گیرند

اگر ایران در بحرین حتی تعداد پس نامه لرد کلارن انگلیسی که با نهایت سرامت با مالکیت ایران افراد کرده و وعده داده که هر وقت نظم صلح فارسی برقرار شد دولت انگلیس بحرین را تخلیه کند برای چه بوده است؟  
 احترام بر مالکیت ایران بر بحرین از این حس سربرتر میشود!  
 ملت با شهامت ایران باین عمل و شکیانه دولت انگلستان با نظر هرت میگرد و هیچ وقت ملت ایران نمیتواند خاک بحرین را خاک خارجی بشمارد  
 دولت انگلستان باید بدانند مردم امروز بحرین آن مردم نیستند که تا دود یک کشتی انگلیسی از دور برضه لاچوردی هوا ظاهر میشد از ترس بر خود بارزند امروز دیگر از دود کشتی میترسند و نه از شعله های آتشبار توپ  
 ملت حق گوی بحرین یک پشتیبانی قوی تر از توپ و تفنگ و کشتی جنگی دادند و آن حق است دولت عربی هست که و لیاظل جوله و لطف دولت ( یعنی باطل جولانی فاود، ولی با مال حکومت با حق است باطل میروند و حق میانه پس استعمار جبارانه انگلیس رفتی است و بحرین مردم حق گوی بحرین مانده  
 انگلیسیا بشدی در امور بحرین مداخله مستقیم میکنند که حتی در اوقات مساجد و حسین یشتنارها مداخله میکنند و باین حال شوخیه است که وقتی ایران مطالبه حق خود را در آنجا میکنند یعنی از هر بیبا با حال نلبان انگلیس بنام نصب عربی در مقابل لوبلنه میشوند و آنجا رایگ بوزیر عربی میروند  
 اهم از اینکه بحرین عرب باشد باقیم دهی بین عربییم نیست دهوی بین ایران و انگلیس است و تصور نیکم هیچ مسلمان بلکه هیچ شرفی برای مخالفت با ایران - استعمار انگلیس در بحرین تایید کند -

دنیای کنونی هر قدر که پیش میروند ما هنوز هم انگار مردم دوشن تر و آماده تر میگرد حتی بظرفد ضیف و طبل هم امروز بر طبق بشریتش برده است و اجازه نیده هیچ نیروی برای فرد ذلیل دور بگوید حق این فرد را تصاحب نماید و پاک ملت ضیف که قربیا در زیر تسلط استعمار گران و استعمار گران بوده دیگر امروز اجازه نیده ملت های قوی دست تسلط و باغیر بر این کشور ضیف دراز نماید و حقوق این ملت را تصاحب کند  
 چنانکه میثونیم و میخوانیم که فلان کشور آزادی و استقلال خود را گرفت و یا مثل البیوره که سالها است در زیر توپ و تفنگهای استعمار گران جان میخند و با وجود این باز دست اذخوق با مال شده خود بر نداشته اند این ملت آزادی خواه سالهاست که میکشند و کشته میشوند تا شاید مقصود خود را باغوش بگیرند ولی آن استعمار گران هنوز دست از زور کوفی و جباریت خود بر نداشته و هر لحظه بیشتر بر طبق بلصفت زنده دست تمدی و جبار اول دواز مینایند و پیوسته منتظران خود دزدان دریایی بر کشور البیوره میزیند و غارت مینماید زبای آنها را سیربایند و اضا برای یک کشوری مثل کشور فرانسه این عمل و شکیانه ننگ و عرم آود است  
 خلاصه امروز هر ملتی هر قدر هم ضیف و ذلیل باشد اجازه نروا دهد داد ، ملت دیگر هر قدر قویتر باشد بر این ملت ضیف دست تسلط دراز نوده و تجاوز نمایند.  
 دوی همین اصل مسلم است که امروز ملت با شهامت و زنده ایران در بحرین نیام کرده اند و پیش میروند چنانکه اخبار خبر گرادها حاکیست وضع در بحرین هادی نیست و ملت بحرین یعنی برادران و هموطنان ما که هیچگاه خود را از ایران و ایرانی جدا ندانسته اند از تسلط خارجی برخاک خود بشتند ناراضی و نلذات هستند -

۱۰۱

هر روز چند هزار از هموطنان عزیز ما در بحرین بکاف و خون میظنند روزی نیست که سرسازان انگلیسی دست نشاندن جلاهای استعمارگر سینه چند نفر از سکنه بحرین را نشکند و بکاف و خون قطعه باز باین همه کشتار ما مردم بحرین یعنی هموطنان ما دست از حق گوی خود برداشته و هر روز اهلای تر میگردند زیرا میدانند که بحرین مال ایران است و آنها هموطنان ملت ایران هستند ولی جای تنیب در اینجاست که حکومت انگلستان ادعای ایران را در بحرین بر سبب نیشاند چنانکه سلطین لوبه و وزیر امور خارجه انگلیس که بکاف قبل دد تهران بوده در پاسخ صحیرین راجع به بحرین گفته اند که خطایی انشاقه بر آنچه سابقا وزارت خارجه انگلیس در این باب گفته نمانده یعنی ایشان هم با زبان دیپلماسی تایید کرده که انگلستان وقتی با دهای ایران بر سر بحرین نیکلارد ، حق ایران در بحرین ادعای هست بلکه مالکیت قطعی و مسلم است

دولت ایران ماهها پس از سکوت راجع بر سر بحرین چند روز قبل برده از دوی اسرار این مسا برداشت و آقای دکتر اولادان وزیر امور خارجه در مساجد طولانی خود با بفرنگدان داخلی و خارجی که خواننده گان عزیز مطلع میباشند گفته ما با استادی که در دست داریم صاحب بحرین میباشیم - ما بر جزایر بحرین حقوق قدیم داریم یعنی از وقتی که تمام سواحل شمالی و جنوبی و غربی خلیج مسکن خضر ایرانی بوده و بیسین جهت بتسریح موغان بولانی قدیم عنوان ( خلیج فارس ) بر آن نهاده شده جزایر بحرین بوجوه اصلی ایران و باینکه کشتی های سلسله های ایرانی قبل از اسلام بوده است -  
 نتیجه اینکه از مطالعه تاریخ بند اسلام نیز میگیریم اینکه وزیر سخته جزایر بحرین از طرف یاد خلیج سلسله حاکمیت در شک فارس حکومت داشته اداره میشده است -  
 ما میبیم و داریم برادران و هموطنان مخصوصا نسل جوان بحرینی ما با مل خود لیاقت و ابرایت خود را ثابت ننمایند و از خداوند قادر و توانا خواهیم که هر چه زودتر زنجیرهای بوق بردگی و بندگی را از گردن هموطنان عزیز ما ببرد - ناپید و دیده گان مارا با بدچار هموطنان عزیز روشن گرداند -

انشاء الله و تعالی  
ولی الله یوسفیه

دینی می‌نگریست: «... اعم از اینکه بحرین عرب باشد یا عجم، دعوی بین عرب و عجم نیست، دعوی بین ایران و انگلیس است و تصور نمی‌کنم هیچ مسلمان بلکه شرقی برای مخالفت با ایران، استعمار انگلیس را در بحرین تأیید کند.»<sup>۲۷</sup>

#### کارنامه سیاسی اتحادیه مسلمین

در اواخر دهه ۱۳۲۰ و با شروع نهضت ملی نفت، اتحادیه مسلمین به فعالیتهای خود شتاب بیشتری دارد و پیرامون مسائل سیاسی، موضع صریح و مشخصی در پیش گرفت. در این زمان شعبه‌های اتحادیه در شهرستانهای مختلف مانند تهران، جلسه‌های هفتگی برگزار می‌کرد و پس از تلاوت قرآن، درباره مسائل سیاسی بحث و گفتگو کرده<sup>۲۸</sup> در صورت توافق اکثریت اعضا پیرامون یک موضوع، اقدام عملی لازم صورت می‌گرفت. جلسه‌های هفتگی فوق که علاوه بر اعضای اتحادیه، مردم عادی نیز در آن شرکت می‌کردند، نقش مهمی در افزایش آگاهی و انسجام مردم ایفا می‌کرد، از این رو شهربانی و بویژه اداره آگاهی، مرتب آنان را زیر نظر داشت و گزارشهای متعددی در این باره تهیه می‌کرد.<sup>۲۹</sup>

در این جلسه‌ها که در بسیاری از موارد به میتینگ یا تجمعات گسترده اعتراض آمیز شباهت داشت، پس از بحث در مورد ضرورت ملی شدن صنعت نفت، از آیت الله سید محمدتقی خوانساری از مراجع شیعه به دلیل حمایت از ملی شدن صنعت نفت و نیز آیت الله کاشانی به دلیل مبارزه با استعمار انگلیس و مخالفت صریح با تصاحب نفت ایران از سوی بریتانیا، تقدیر و تشکر می‌شد.<sup>۳۰</sup>

حاج سراج انصاری در تصمیمات سیاسی اتحادیه، تأثیر قاطع و غیرقابل انکاری داشت؛ و در برخی موارد با بیان مستدل و روشن خود، اکثریت هیئت مدیره را قانع به پذیرش تصمیم و اقدامی می‌کرد که تا پیش از این با آن مخالفت می‌ورزیدند. در جلسه سوم بهمن ۱۳۲۹ اتحادیه مسلمین، بیشتر اعضای هیئت مدیره، کارکرد اتحادیه را فعالیتهای دینی دانسته، خواستار عدم دخالت در مسائل و جریان‌های سیاسی گردیدند؛ اما سراج انصاری با سخنان حساب شده و استدلال‌های منطقی خود، اعضا را قانع کرد تا در برابر اتفاقات سیاسی، موضع روشن و مشخصی اتخاذ کنند.<sup>۳۱</sup> او به این نکته واقف بود که اگر یک دسته یا تشکل دینی یا سیاسی، خود را نسبت به حوادث و رویدادهایی که سرنوشت کشور را رقم می‌زند، بی تفاوت باشد، هیچ‌گاه طرف توجه مردم قرار نخواهد گرفت و اقبال عمومی از آن روی برمی‌تابد.

اتحادیه مسلمین دامنه فعالیت خود را در حمایت از ملی شدن صنعت نفت و ابراز نفرت از سیاستهای انگلیس به خارج از مرزهای ایران کشانید، برای نمونه در نامه‌ای خطاب به ریاست

شورای امنیت، درخواست خود را به ترتیب زیر عنوان نمودند: «اتحادیه مسلمین ایران که نماینده قاطبه مسلمین این کشور است، از پیشگاه شورای امنیت جداً خواستار است که نظر نماینده ایران را دایر بر عدم صلاحیت آن شورا در قضیه نفت تأیید فرماید.»<sup>۳۲</sup>

در زمان نخست وزیری دکتر محمد مصدق، مجلس شورای ملی، عرصه حضور احزاب و گروههای مختلف گردید که از طریق تصویب قوانین مورد نظر خود، در صدد تحقق آرمانها و اهداف خویش برمی آمدند. از این رو در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفدهم، اتحادیه مسلمین در صدد شرکت فعال در انتخابات برآمد، تا به وسیله تصویب قوانین اسلامی، مانع اقدامات ضد مذهبی برخی احزاب و گروهها گردند. بنابراین در جلسه ۱۱ آذر ۱۳۳۰، بیشتر اعضا در مورد شرکت در انتخابات به اتفاق نظر رسیدند و با صراحت از عدم تفکیک دین از سیاست سخن راندند.<sup>۳۳</sup>

در این جلسه، همچنین از ضرورت ائتلاف میان احزاب ملی و دینی صحبت به میان آمد و مقرر شد که در آینده، پیرامون چگونگی تحقق آن، مباحثات بیشتری صورت گیرد. چنین به نظر می رسد که فضای غیر مذهبی و حتی ضد مذهبی در جامعه آن روز ایران، و خطر احتمالی سیطره انگلیس بر مقدرات کشور، هیئت مدیره را ناچار به اندیشیدن درباره همکاری با احزاب ملی و ادار ساخته است.

به این ترتیب اعضای اتحادیه مسلمین در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفدهم با احزاب زحمتکشان<sup>۳۴</sup>، حزب ایران<sup>۳۵</sup> و برخی گروههای سیاسی کوچک، مشورتهایی صورت دادند. به این منظور در تاریخ ۴ دی ماه ۱۳۳۰، جلسه فوق العاده ای در منزل عمادزاده از اعضای هیئت مدیره اتحادیه تشکیل گردید که برخی از سیاسیون چون علی طباطبایی، دکتر بقایی، ملک مدنی، حایری زاده، حسین مکی، نریمان و مهندس حسینی در آن شرکت جستند.<sup>۳۶</sup> در این جلسه درباره شرایط نامزدهای مورد توجه احزاب ملی و اتحادیه مسلمین گفتگوهای طولانی انجام شد.

حضور چهره های سیاسی مطرح آن روزگار، در منزل یکی از اعضای اتحادیه مسلمین، نشان از اعتبار اتحادیه در میان گروههای سیاسی و مذهبی آن روزگار است و این افراد برای کسب رأی، ناچار به مشورت با اتحادیه مسلمین بوده اند. با توجه به موفقیت افراد فوق در انتخابات هفدهم، دور از ذهن نخواهد بود اگر بخشی از موفقیت این افراد در کسب آراء را توجه ظاهری آنان به گروههای مذهبی از جمله اتحادیه مسلمین بدانیم. اگر چه تهیه لیست مشترک نامزدهای مذهبی و ملی میسر نشد، ولی اتحادیه مسلمین در انتخابات اواخر دهه ۱۳۲۰ از کسانی پشتیبانی می کرد که یا گرایش دینی داشتند و یا حداقل نسبت به آموزه های دینی، مخالفت

صریحی از خود نشان نمی دادند. مثلاً پیش از انتخابات مجلس هفدهم، هیئت مدیره اتحادیه مسلمین فهرستی منتشر کرد که در میان آنان افرادی چون دکتر محمود حسابی، محمد مشکوة، سیدضیاءالدین طباطبایی، مخبرالسلطنه هدایت، دکتر مصدق و عده‌ای دیگر قرار داشتند.<sup>۳۷</sup> در انتخابات مجلس هفدهم، اتحادیه مسلمین برای مناطق شهریار و ساوجبلاغ، اهواز، بوشهر و اصفهان نامزد معرفی کرد، که در نتیجه سرهنگ اخگر، عضو هیئت مدیره اتحادیه، موفق به کسب آرای لازم گردید و به عنوان نماینده مردم بوشهر به مجلس راه یافت که در کمیسیون نفت منشأ اقدامات مفیدی گردید.

در جریان استعفای دکتر مصدق از پست نخست وزیری و انتصاب احمد قوام به جای وی، اتحادیه مسلمین به پیروی از آیت الله کاشانی، از دکتر مصدق حمایت کرد. این اتحادیه مانند دیگر گروههای مذهبی، از ابتدای نخست وزیری قوام به شدت به مخالفت با وی برخاست؛ مثلاً سرهنگ اخگر که اینک از اعضای مؤثر و نایب رئیس اتحادیه مسلمین به شمار می آمد، به شدت از مصدق پشتیبانی نمود. اتحادیه مسلمین دو روز پیش از استعفای قوام که در نتیجه افزایش مخالفتها علیه وی صورت گرفت، در نامه‌ای به اخگر، مواضع خود را در این زمینه چنین اعلام کرد: «جناب آقای اخگر، نماینده محترم مجلس شورای ملی و نایب رئیس اتحادیه مسلمین ایران. در جلسه منعقد شده روز چهارشنبه ۱۳۳۱/۴/۲۸، هیئت مؤسسه اتحادیه مسلمین ایران متفقاً تصمیم گرفتند که روش اتحادیه در وضع حاضر طرفداری جنابعالی و موافقت با شخص دکتر مصدق السلطنه باشد و رویه جنابعالی در مجلس شورای ملی که اجرای منویات ملت ایران است مورد تأیید قرار گرفت و ضمناً تذکر داده می شود که جنابعالی به طوری که تاکنون به هیچ دسته و حزبی جز اتحادیه مسلمین منتسب نبودید، همان روش را ادامه دهید.»<sup>۳۸</sup>

پس از بازگشت دکتر مصدق به قدرت، اتحادیه مسلمین این پیروزی را طی دو تلگراف جداگانه به مصدق و آیت الله کاشانی تبریک گفت، که آنها نیز در پاسخ، پیامهای تشکرآمیزی ارسال نمودند.<sup>۳۹</sup>

پس از حادثه ۳۰ تیر، اتحادیه مسلمین در صدد برآمد، تا فعالیتهای فرهنگی خود را گسترش دهد، از این رو هیئت مدیره اتحادیه تصمیم گرفت تا در ملاقات با دکتر مصدق و طرح مشکلات و تنگناهای مالی خود، پیرامون سه موضوع از وی کمک و یاری بخواهد؛ این سه موضوع عبارت بودند از: تعمیر و ساخت مدارس، منع استفاده از مسکرات و افزایش دامنه تبلیغات اسلامی.<sup>۴۰</sup> سند یا گزارشی حاکی از انجام این دیدار در دست نیست، اما طرح چنین مسائلی به روشنی حکایت از اختلاف دیدگاه اعضای اتحادیه با دکتر مصدق و دیگر گروههای ملی داشت، اما با این همه، اتحادیه مسلمین هیچ گاه اختلافات خود را با وی برجسته نمی کرد و تا آخر از وی

حمایت کرد، ضمن آنکه آیت‌الله کاشانی را نیز به عنوان یکی از رهبران سیاسی و مذهبی مورد تأیید همه جانبه قرار می‌داد.

پس از قیام ۳۰ تیر، به دلایل متعدد، اتحاد نیروهای ملی و مذهبی، به اختلاف و دودستگی تبدیل گردید؛ که اوج این وضعیت، فاصله گرفتن دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی از یکدیگر بود. بسیاری از گروهها و جمعیتهایی که تا پیش از ۳۰ تیر در ملی شدن صنعت نفت و در حمایت از دولت مصدق با یکدیگر هم نوا بودند، اینک یکدیگر را آماج حملات و تهمتها و حتی ضرب و شتم قرار می‌دادند. به دنبال این وضعیت، اتحادیه مسلمین و در رأس آن حاج مهدی سراج انصاری به فکر پیشنهاد ائتلاف به گروهها، احزاب و افراد ملی و مذهبی افتاد و برای تحقق آن از احزاب ملی دعوت کرد تا در این زمینه به بحث و گفتگو بپردازند. از این رو در هفتم مرداد ۱۳۳۲ یعنی سه هفته پیش از کودتای ۲۸ مرداد، شخصیت‌های احزاب ملی بویژه حزب ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران و حزب ملت ایران دعوت فوق را پذیرفته و به منظور برقراری اتحاد و حتی ائتلاف، در دفتر اتحادیه حضور به هم رسانیدند. در ابتدای جلسه حاج سراج موقعیت حساس مملکت و ضرورت حفظ دین و کشور را یادآور شد و تأمین این هدف را فقط در سایه اتحاد و هماهنگی دانست و از حاضرین درخواست ارائه راهکار در این زمینه نمود.<sup>۴۱</sup> سپس دکتر کافی، دبیر اول اتحادیه، پس از ذکر لزوم ادامه مبارزه با استعمار و تشریح موقعیت نهضت ملی گفت: «اگر چنین اتحادی را به طور مستحکم نتوانیم در کشور به وجود بیاوریم، حزب توده با تشکیلات جامع و متشکلی که دارد، ممکن است تمام زحمات نیروهای ملی و مذهبی را از بین ببرد. سپس از نمایندگان احزاب خواست برای اتحاد و مبارزه با حزب توده تصمیم بگیرند.»<sup>۴۲</sup>

نکته مهمی که یادآوری آن ضروری می‌نماید، افزایش قدرت و نفوذ حزب توده در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق و بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد است که موجبات نگرانی و ناخشنودی نیروهای مذهبی را فراهم ساخت، از این رو آنان برای رویارویی با این وضعیت به اقدامات متعددی دست یازیدند که از جمله آنها می‌توان به طرح اتحاد و حتی ائتلاف یاد کرد. اتحادیه مسلمین در رویکرد خود مبنی بر ائتلاف، جدا از ضرورت مبارزه با استعمار و دولت پهلوی، رویارویی با حزب توده و اقدامات آن را نیز در نظر داشت.

سراج انصاری، بیش از دیگر همکاران و هم‌فکران خود به مشکلات پیش روی طرح ائتلاف واقف بود، زیرا در صورت تحقق چنین پیشنهادی، گروهها و احزاب می‌بایست برای هماهنگی و همکاری از برخی اصول خود دست می‌کشیدند، اما اتحادیه مسلمین به هیچ رو حاضر به دست کشیدن از آموزه‌های دینی خود نبود، از این رو، انصاری خطوط اصلی طرح ائتلاف را به

ترتیب زیر پیشنهاد نمود: ۱- حفظ استقلال کشور، ۲- تقویت نهضت ملی و روحیات ملی و دینی مردم.

سراج انصاری در همان جلسه، بر این نکته تأکید کرد که باید از بخشی از خواسته‌های خود گذشت و تنها روی مسائل اصلی و کلان تأکید کرد و در ادامه اضافه نمود که: «همه ما تشخیص داده‌ایم که در حال حاضر مساعدت و پشتیبانی از مصدق، لازم است. بنابراین باید واقعاً همه با هم یک جبهه متحد باشیم و او را یاری کنیم... اگر همین آقای دکتر مصدق بخواهد به زیان کشور و استقلال دین کار کند، آن وقت با او مخالفت می‌کنیم. فعلاً با این هدف او که دست اجانب را از کشور کوتاه کرد و به دین و مملکت خدمت قابل تقدیر کرد کمک کنیم».<sup>۴۳</sup>

چنان که گفته شد، میان افکار و اعمال دکتر مصدق و آرمانهای مذهبی اتحادیه مسلمین، اگر چه توافق و هماهنگی وجود نداشت، اما به دلیل کوششهای دکتر مصدق در ملی شدن صنعت نفت و مخالفت‌های وی با سیاست ضداستعماری انگلیس، اتحادیه مسلمین از وی پشتیبانی کرد. حتی پس از بروز اختلاف میان وی و آیت‌الله کاشانی، اتحادیه فوق اگر چه آیت‌الله کاشانی را همیشه مورد ستایش قرار می‌داد، اما مصدق نیز هیچ‌گاه از سوی آنان هدف حمله و انتقاد قرار نمی‌گرفت.

۱۰۶

اتحادیه مسلمین در ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ یعنی یک روز پس از کودتای اول و شکست خورده، با صدور اعلامیه‌ای، حمایت همه جانبه خود را از مصدق اعلام داشت و حتی استعفای نمایندگان طرفدار مصدق از جمله دکتر اخگر را با نظر «احترام» و «تقدیر» نگریست و «انزجار» و «نفرت شدید» خود را نسبت به «اخلا لگران» و «دشمنان نهضت ملی و دینی ایران» ابراز داشت.<sup>۴۴</sup> تلاشهای نخست اتحادیه مسلمین برای ائتلاف گروهها و احزاب به جایی نرسید اما کوششها در این زمینه ادامه یافت، لذا دو هفته پیش از کودتا، نمایندگان احزاب ایران، نیروی سوم و برخی گروههای کوچک، به دعوت اتحادیه مسلمین، بار دیگر تشکیل جلسه دادند. در این جلسه از تلاشهای اتحادیه مسلمین برای تشکیل جبهه‌ای ائتلافی برای مبارزه با استعمار، فساد و کمونیست جهت رهایی مردم تقدیر شد و مواردی که حول آن باید ائتلاف صورت گیرد، مبارزه با حزب توده و دربار پهلوی اعلام گردید.<sup>۴۵</sup>

پس از آنکه اکثریت اعضای شرکت کننده، خطر عمده برای کشور را فعالیت‌های حزب توده ذکر کردند سراج انصاری پیشنهاد نمود ائتلاف احزاب بر مبنای دستورات و تعالیم دین اسلام صورت گیرد. وی افراد حزب توده را فریب خورده توصیف کرد و بر این باور بود که با فعالیت و اقدام صحیح فرهنگی می‌توان آنان را به دامن اسلام بازگردانید.<sup>۴۶</sup>

جلسه‌ها و مذاکرات پیرامون چگونگی ائتلاف گروهها تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، ادامه یافت؛



اما با کودتای فوق، بساط احزاب و گروههای ملی و مذهبی برچیده شد و تحقق ائتلاف فوق نیز ناکام ماند. اما تلاشهای اتحادیه مسلمین نشان می‌دهد، نیروهای مذهبی در دفاع از منافع ملی و مصالح مردم ایران در دهه ۱۳۲۰ از دیگر کنش‌گران سیاسی منطقی‌تر بوده و هوشمندانه عمل کرده‌اند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، اتحادیه مسلمین با وضعیت دشواری رو به رو گردید. یا باید با دولت کودتا مقابله و رویارویی می‌کرد که به این ترتیب پس از مدتی از صحنه سیاسی محو و نابود می‌گردید و یا با آن کنار می‌آمد که با ماهیت این جمعیت سازگار نبود. در جلسه ۱۸ آذر ۱۳۳۲ یکی از اعضای هیئت مدیره یادآور شد که مبارزه با استعمار، یکی از اصول جمعیت است و با این وضعیت نمی‌توان چنین هدفی را محقق کرد. بالاخره پس از گفتگوی بسیار، قرار شد که جمعیت فقط در مورد مسائل دینی و حفظ اصول دین فعالیت نماید.<sup>۴۷</sup> نشریه اتحادیه مسلمین پس از کودتا یک یا دو شماره دیگر منتشر شد و پس از آن متوقف گردید.

از فعالیت اتحادیه مسلمین پس از سال ۱۳۳۵ ش، گزارش و سندی در دست نیست؛ به نظر می‌رسد در نتیجه انسداد فضای سیاسی جامعه، مجالی برای فعالیت آن باقی نماند و در نهایت از ادامه فعالیت‌های خود بازماند.

### اتحادیه مسلمین و مشکلات دنیای اسلام

پرداختن به مشکلات دنیای اسلام و انعکاس آنها، یکی از اقدامات اتحادیه مسلمین بود؛ نگاهی گذرا به مطالب ماهنامه مسلمین، بیانگر همین نکته است. تشکیل دولت اسرائیل و غصب سرزمین فلسطین، قبله نخست مسلمانان، که رویارویی نظامی اعراب و یهودیان اسرائیل را در پی داشت، دنیای اسلام را تحت تأثیر قرار داد. اتحادیه مسلمین نیز که «قضیه فلسطین» را «یکی از قضایای مهمه امروزی دنیا» می‌دانست که «نگرانی بزرگی را میان جامعه بشر تولید» نموده بود، مورد توجه ویژه قرار داد.

اتحادیه مسلمین تبدیل موضوع فلسطین را به نزاع میان اعراب و یهودیان، ترفندی سیاسی می‌دانست و آن را غیرقابل قبول می‌دانست. مسلمین، ارگان اتحادیه مسلمین، موضع فوق را چنین تحلیل کرد: «... حقیقت آن است که فلسطین در مرحله اول مال تمام مسلمین است و در مرحله دوم محل اقامت عده‌ای از مسلمانان و برادران اسلامی ما می‌باشد.»<sup>۴۸</sup> از این رو این اتحادیه در یکی از روزهای اردیبهشت ۱۳۲۷ دفتری در ساختمان خود برای نام‌نویسی داوطلبان جنگ با اسرائیل راه‌اندازی کرد. سپس نمایندگانی از سوی اتحادیه مسلمین با سفرا و کارداران اسلامی در تهران ملاقات کردند و پیرامون این موضوع به بحث و گفتگو نشستند. آنان با حمزه غوث



سفیر عربستان و کارداران سوریه و لبنان ملاقات کردند و از آنها برای حضور در دفتر اتحادیه مسلمین دعوت به عمل آوردند. روز هفتم خرداد ۱۳۲۷ با حضور آیت الله سیدمحمد بهبهانی و عده‌ای دیگر از علما و مجتهدین و نمایندگان مجلس شورای ملی و مدیران جراید دینی و ملی و تجار و کسبه، مراسم باشکوهی تشکیل گردید. در این مراسم، ابتدا دو هزار نفر از داوطلبان اعزام به فلسطین اقدام به تظاهراتی باشکوه کردند. نمایندگان سیاسی کشورهای عربستان، عراق، لبنان، پاکستان و مصر به شدت تحت تأثیر این مراسم قرار گرفتند. همچنین بیش از شش هزار نفر از مردم تهران به عنوان داوطلب جنگ در برابر دفتر اتحادیه مسلمین بستند و در پایان متن بیانیه اتحادیه مسلمین درباره فلسطین ایراد شد که برخی از مطالب آن عبارت بود از: «... امروز جاذبه سرزمین مقدس فلسطین نفوس پراکنده مسلمین دنیا را به سوی خود متوجه ساخته و تمام اختلافات داخلی را تحت الشعاع قرار داده است... قضیه فلسطین افراد مسلمان جهان را به یکدیگر نزدیک نموده و وحدت و حقیقت اتحاد را قوی تر خواهد نمود.»<sup>۴۹</sup>

در ادامه این بیانیه، دولت‌های شوروی و امریکا به دلیل حمایت از اسرائیل و عدم توجه به مسلمانان به شدت مورد حمله قرار گرفتند، پس از پایان مراسم، شعارهای انقلابی علیه اسرائیل داده شد و سفیران کشورهای اسلامی

## چگونه اتحادیه مسلمین در

### موضوع فلسطین اظهار همدردی کرد؟

قضية فلسطین یکی از قضایای مهمه امروزی دنیاست این قضیه معادل سیاسی و دینی دنیازار بر خود متوجه ساخته و بنگ نگرانی بزرگی را میان جامعه بشر تولید نموده است ما در قسمت سیاسی این قضیه وارد بحث نشویم و گفتگو در این مبحث از لحاظ سیاست از عهد ما خارج است چیزی که ما را در این موضوع ذی علاقه نموده است جنبه دینی آن می باشد فلسطین سرزمینی است که تمام مسلمانان جهان بان سرزمین علاقه دارد و تمهیدات بهبود نسبت به قوت مسلمین فلسطین در حقیقت تمهیدات ظالمانه بر چهارصد ملیوت مسلمانان جهان بشمار می رود از این رو بر هر فرد مسلمان غیرتمندی ضروری است که در این قضیه با برادران اسلامی خود هم آشنگی و همدردی ابراز نماید گو اینکه در معاضد سیاسی دنیا داستان فلسطین را بنگ دعوی مخصوصی نیما بین اعراب و یهود تلقی نموده اند و میان ملل شهرت داده اند که نزاع فلسطین نزاعی است فیما بین اعراب و یهود ولی این تلقی و این شهرت برای منظورهای سیاسی است که بحث در اطراف آن بیرون از وظیفه ماست و حقیقت امر آنست که فلسطین در مرحله اول مال تمام مسلمین است و در مرحله دوم محل اقامت همه از مسلمانانست و برادران اسلامی ما میباید پس بنا بر این اتحادیه مسلمین بر خود وظیفه دانست که در این موضوع از اظهار همدردی خودداری ننمایند این بود که قبلا تصمیم گرفت که دفتری در محل اتحادیه برای اسم نویسی بجهت رفتن بجهت جنگ فلسطین بلا کند . روز جمعه ۳۱ اردیبهشت دفتری باین منظور در محل اتحادیه باز و در سالون سخنرانی اتحادیه مراتب را به حضار اعلام داشت از همان ساعت اسم نویسی آغاز شد سپس تصمیم شد که با نمایندگان دول اسلامی ملاقات نموده و حضورا اظهار هم دوردی نماید و ضمنا برای روز جمعه هفتم خرداد آقایان نمایندگان نامبرده را بجهت اتحادیه دعوت کند . روز شنبه یکم خرداد آقایان حاج شیخ عبدالصغیر شوشتری رئیس هیئت مدیره اتحادیه مسلمین و حاج سراج انصاری و محمدی اردبالی و عطاء الله شهاب پور و دکتر حکمت (اعضای اصلی هیئت مدیره اتحادیه مسلمین) بنابوتی که قبلا سخن نموده بود ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در هتل فردوسی بانجام آقای حمزه غوث وزیر مختار مملکت سومری ملاقات مسلمین بجمع آمد و ایشان از این ملاقات فوق العاده اظهار مسرت نمود و از نمایندگان اتحادیه مسلمین پذیرایی گرمی بعمل آورد و دعوت اتحادیه مسلمین را قبول نمود سپس روزهای یکشنبه دوم خرداد سه شنبه چهارم خرداد از نمایندگان دولت های سوریه و لبنان ملاقاتهایی بعمل آمد و هر یک با پیشانی باز از نمایندگان اتحادیه پذیرایی

گزارش فعالیت اتحادیه در ارتباط با فلسطین

مجلس شورای اسلامی ایران

مجلسین ایران

ریاست محترم شورای امنیت

و نه وقت جواب آقای انتظام رئیس مجمع عمومی

منازلان ملل متحد

جمعیت اتحاد مسلمین ایران بانهایت بی صبری انتظار دارد موضوع کشمیر که سالهاست موجبات نگرانی عالم اسلام را فراهم کرده و اینک بشورای امنیت مراجعه میشود هر چه زودتر بطرز عادلانه بوسیله مراجعه بآراء عمومی بطور آزاد و بی طرفانه حل و فصل گردد و از این راه اطمینان اعضای این جمعیت و جهان اسلامی بمذات خواهی شورای امنیت نباید گردد . جمعیت اتحاد مسلمین

و علما و مجتهدین با احترام از سوی مردم بدرقه شدند. سید جعفر شهیدی متن بیانیه را به زبان عربی برای سفرا و کارداران کشورهای اسلامی ترجمه کرد.

توجه به وضعیت اسفبار مسلمانان هندوستان و کشتار آنان از سوی سیکها، از دیگر فعالیتهای اتحادیه مسلمین ایران بود. سید غلامرضا سعیدی عضو هیئت مدیره این اتحادیه در این زمینه مطالب فراوانی در روزنامه های آن دوره به چاپ رسانید. همچنین انعکاس اخبار مسلمانان در مراکش و الجزایر و مقاومت آنان در برابر اقدامات نظامی فرانسه از سوی اتحادیه مسلمین پی گیری و در ماهنامه مسلمین چاپ می گردید.<sup>۵۰</sup>

اقدامات فرهنگی و اجتماعی اتحادیه مسلمین

مبارزه با مظاهر بی دینی و اجرای قوانین اسلامی و آموزش اصول اسلامی و مفاهیم آن، یکی از دلایل ایجاد اتحادیه مسلمین بود. اعضای اتحادیه در برقراری قانون مجازات اسلامی، اصرار فراوان داشتند و در سخن رانیها و مقالات و نوشته های خود بر آن تأکید می ورزیدند. در تیرماه ۱۳۲۴، اتحادیه مسلمین طوماری با

## همدردی اتحادیه مسلمین ایران با مسلمین مراکش

پامیرد و بنام آزادی و استقلال دنیا را بکنک میطلبید و از سیاهیان مسلمین افریقا مدد میخواست همینکه آزادی خود را بدست آورد حقوق نجات دهندگان خویش را از مظالم آلمان فراموش کرد و با رکیب و مسلسل و طیارات بمب افکن شروع به خرابی و ویرانی شهرهای مراکش نمود و نفوس بی شماری از مردم آن سامان را بجرم میهن خواهی و استقلال طلبی اعدام نمود.

این فجایع در حال حاضر در برابر معازل بین المللی و سازمان ملل متحد و منشور اعلامیه حقوق بشر و میثاق اتلانتیک با سخت ترین قیافه موحش و رعب آوری جریان دارد و آرتش فرانسه بدون هیچ ملاحظه ای شهرهای مسلمین و امیکو بندو نفوس مسلمین مراکش را قتل عام مینماید.

بدون تردید روح انانیت از این فجایع متاثر و غشناک است و قلوب چهارصه میلیون مسلمان جهان جریحه دار میباشد.

اتحادیه مسلمین ایران باین اعمال زشت و نکوهیده دولت فرانسه شدت اعتراض مینماید و از لحاظ آنکه بیان این موضوع وسیله ای بدست عاجزان جوانان نهد و برده های تنگ آوز استانبول و همیره در ممالک اسلامی تکرار نشود فقط از جنایات دولت استعماری فرانسه اظهار نفرت نموده و توجیه شروای امنیت و سازمان ملل متحد و قاطبه ملل آزادی خواه را باین موضوع جلب مینماید و بیرون پاک شهاده مسلمین و آزادی خواهان مراکش دزد و دمیفرستد و از جامعه مسلمین جهان برای شرکت در اظهار نفرت مدد میطلبید.

اینکه که دولت فرانسه بعود آمده و متوجه اشتباهات خویش گشته مسلمین جهان انتظار دارند که حقوق ملت مراکش تامین و به تجاوزات استقلال شکنانه پایان داده شود تا موجبات قیام صفوف فشرده شده مسلمین طبع آنان فراهم نگردد هیئت مدیره اتحادیه مسلمین ایران - تهران

جهان تمدن باردیگر ناظر یکی از فجیع ترین مظالم دولت استعماری فرانسه است. فرانسه پیشوای انقلاب و واضع اصول حقوق بشر که با طرح تصویب قانون اساسی سال ۱۷۹۱ میلادی بدینا نوید آزادی میداد و صدای حریت و عدالت را در گیتی پراکنده ساخت فرانسه همان فرانسه ای که گفت افراد بشر آزاد متولد شده و مادام العمر آزاد مانده و در حقوق با یکدیگر مساویند، فرانسه ای که اعلام نمود اصل هر قدرتی از ملت است و هیچ هیئت و هیچ فردی نمیتواند افعال قدرت و حاکمیت در ملک بشاید مگر آنکه از جانب ملت برگزیده باشد.

آزادی همان فرانسه ای که آزادی را تفسیر نمود و با خون جوانان و افراد غذا کار و سلحشور خود در صفحه تاریخ نگاشت که آزادی عبارت است از قدرت داشتن بر اعمالی که مستلزم زبان دیگران نباشد و آزادی یکی از حقوق گرانبهای بشری است و اصل مالکیت از حقوق محترمه و مقدسه است و کسی را نمیتوان از آن محروم نمود. این فرانسه قریب ربع قرن است که بفقار - مرگ خوب است اما برای همسایه - عمل میکند و آزادی را در انحصار و حق طبیعی خود میداند و ملل ناتوان را که دو جنگ عظیم و خانمانسوز برای آزادی انسان بوجود آمده در زیر استعمار میفشارد و در الجزایر و مراکش سیلاب خون روان مینسازد. فرانسه در همان وقت و در همان دو نوبت جنگ بین المللی که در زیر کابوس آرتش پروس دست و

امضای شماری از بازاریان متدین و افراد سرشناس تهیه کرد که حاوی درخواست اجرای حدود الهی در مورد سرقت و یادآوری ضعف قوانین قضایی کشور از زمان مشروطه به این سو بود.

آشفستگی شهرها پس از شهریور ۱۳۲۰ و شیوع دزدی و ناامنی و نیز ناتوانی نیروهای امنیتی در برقراری نظم و ثبات، اتحادیه را بر آن داشت تا برای حل این مشکل، حکومت را به اجرای قوانین اسلامی وادار کند. آنان بر این باور بودند که با اجرای چنین قوانینی «هم از نعمت آسایش برخوردار» می شویم و هم «خزانه دولت از مخارج روزافزون حراست سارقین و تبهکاران» آسوده می گردد.<sup>۵۱</sup>

از دیگر نگرانیهای اتحادیه مسلمین و نیروهای مذهبی، حذف دروس و برنامه های دینی از دانشگاهها و مدارس کشور بود. در دی ماه ۱۳۲۶ اتحادیه هم نوا با اعتراض مراجع و روحانیان بزرگ کشور در مورد فضای فرهنگی مراکز آموزشی و فقدان تعالیم دینی در آنها، اقدام به نامه نگاریهای فراوان با مسئولان کشور از قبیل ابراهیم حکیمی

**جناب آقای دکتر سیاسی وزیر محترم فرهنگ**  
 محترماً اشمار میدارد بطوریکه مشاهده میشود اکثر دانشجویان دبیرستانها و دانشکدهها و دانشسراها در اثر حذف برنامه تعلیمات دینی از مبادی دین مقدس اسلام کسوجکترین اطلاعی ندیشته و حتی کیفیت ادای فریضه نماز را هم نمیدانند و این خود در یک کشور اسلامی نفس بزرگ فرهنگ آن کشور است اینک از جنابعالی جدا تقاضا مینماییم که مقرر فرمائید اولاً تعلیمات دینی را در دبیرستانها و دانشکدهها و دانشسراها جزو برنامه قرار داده و دانشجویان را بخفایق اسلام و معارف حقه الهیه آشنا سازند. ثانیاً عموم دانشجویان اسلامی را بادی فریضه نماز تشویق و تهریس کنند اینک برای تسهیل امر کتاب (ستون دین) را که در این موضوع بسیار نفیس و جالب توجه تموین شده است بیوست این نامه تقدیم و بلعاط مبارک میرسانیم و انتظار داریم که دستور فرمائید عین این کتاب در دبیرستانها و دانشکدهها و دانشسراها در ردیف کتابهای علمی تهریس شود. و همه روزه اوقات نماز دانشجویان را بادی این فریضه تشویق نموده و ساعتی اگر مقتضی باشد دست جمعی (باستثناء دوشیزگان که باید در محل خود یاد منزل بادی فریضه قیام نمایند) یکی از مساجد اعزام و بشکل جماعت اذانسایتد مایه تعظیم شایرالله خواهد بود بدیهی است این دو تقاضا خصوصاً تهریس کتاب (ستون دین) مورد توجه مخصوص جنابعالی قرار گرفته و این اتحادیه را که نماینده عموم مسلمین کشور است قرین امتنانف خواهند فرمود.

باتقدیم احترامات  
 از طرف اتحادیه مسلمین  
**مهر اتحادیه و امضاء**

تاریخ ۶ ربیع الاول ۱۳۶۷ قمری مطابق ۱۰۵۲۷/۱۳۲۶ شمسی	شماره ۶۳۳ بیوست یکجگلد کتاب ستون دین
<b>جناب آقای قهی زاده</b>	
تاریخ ۶ ربیع الاول ۱۳۶۷ قمری مطابق ۱۰۵۲۷/۱۳۲۶ شمسی	شماره ۶۳۴ بیوست یکجگلد کتاب ستون دین
<b>جناب آقای دکتر عبیده</b>	
تاریخ ۶ ربیع الاول ۱۳۶۷ قمری مطابق ۱۰۵۲۷/۱۳۲۶ شمسی	شماره ۶۳۵ بیوست یکجگلد کتاب ستون دین
<b>جناب آقای دکتر شفق</b>	
تاریخ ۶ ربیع الاول ۱۳۶۷ قمری مطابق ۱۰۵۲۷/۱۳۲۶ شمسی	شماره ۶۳۶ بیوست یکجگلد کتاب ستون دین

نخست وزیر، سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی، علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ و دیگر مقامات عالی رتبه کرد و درخواست گنجاندن درس تعلیمات دینی و آموزش نماز به دانش آموزان را با جدیت مطرح ساخت.<sup>۵۲</sup> در این زمینه کتابی با نام ستون دین چاپ و آن را برای مسئولان فوق ارسال نمود<sup>۵۳</sup> تا پس از موافقت، در اختیار دانش آموزان قرار دهند.

در سیستم آموزشی دوران سلطنت پهلوی اول، دروس دینی در میان برنامه‌های درسی، جایگاهی نداشت و حتی در نگارش کتبی مانند تاریخ و ادبیات، سعی بر آن بود تا میراث فرهنگی پیش از اسلام ایران و دوران اسلامی برای دانش‌آموزان در برابر هم نشان داده شود. از این رو بیشتر دانش‌آموختگان این دوره و نیز سالهای دهه ۱۳۲۰ به دلیل ادامه سیستم آموزشی پیشین، یا نسبت به آموزه‌های دینی در بی‌خبری و ناآگاهی قرار داشتند و یا نسبت به مذهب بی‌تفاوت و حتی ابراز دشمنی می‌کردند.<sup>۵۴</sup> از این رو اعضای اتحادیه مسلمانان با همکاری و همیاری دیگر نیروهای مذهبی بویژه مرجع تقلید شیعیان آیت‌الله بروجردی در این زمینه به موفقیت دست یافت.<sup>۵۵</sup>

آنان اجرای قوانین و فرایض اسلامی را از وظایف و تکالیف خود می‌دانستند و از آن جمله بر اجرای درست و باشکوه مراسم حج تأکید می‌کردند زیرا در ایام شانزده ساله سلطنت پهلوی اول و سالهای نخست دهه ۱۳۲۰، زائران سفر حج هم باید با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کردند و هم به دلیل تضعیف نهاد روحانیت در آن دوره، مناسک حج به خوبی برگزار نمی‌شد و با اشکالات فراوانی روبه‌رو بود. از این رو اتحادیه مسلمانان با طرح پیشنهادی مبنی بر اعزام تعدادی از علمای برجسته حوزه علمیه تهران به مراسم حج، برای آموزش مسائل دینی و مناسک حج، در صدد اصلاح آن برآمد.<sup>۵۶</sup>

مقالات و نوشته‌های متعدد اتحادیه مسلمانان در این زمینه در ماهنامه مسلمانان، ارگان این اتحادیه منتشر می‌شد و نامه‌نگاریهای گسترده آنان با مسئولان ارشد مملکت و حمایت بسیاری از نیروهای فرهیخته دینی از آنان برای تحقق این طرح، نوعی احساس مشترک در عناصر دینی به وجود آورد، به گونه‌ای که در دیگر درخواستهای دینی، انسجام و هماهنگی بیشتری از خود به نمایش گذاشتند.

اسناد و گزارشهای به جا مانده حتی در شهرستانهای دوردست، حاکی از فعالیت اتحادیه در مبارزه با مظاهر غیراخلاقی است که از جمله در محرم سال ۱۳۳۱ ش، اتحادیه مسلمانان آبادان با نوشتن نامه‌ای به دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر، خواستار حذف موسیقی از رادیو تهران و شهرستانها و پخش سخن‌رانیهای دینی و تلاوت قرآن، تعطیلی سینماها، میخانه‌ها و قمارخانه‌ها در این ماه شد.<sup>۵۷</sup>

مبارزه با فعالیت بهاییان و گماشتن آنان در مناصب دولتی از دیگر اقدامات اتحادیه مسلمانان بود. این اتحادیه در دی ماه ۱۳۲۹ ش با نوشتن نامه‌ای به حاجی علی رزم‌آرا نخست‌وزیر، از اخراج اعضای این فرقه از ادارات دولتی تشکر کرده، خواستار استمرار این حرکت شدند.<sup>۵۸</sup> همچنین تلاش برای تعمیر و ساخت مساجد، افزایش دروس دینی در مدارس، تأسیس

اتحادیه مسلمین

دارالتبلیغ اسلامی و کتابخانه ، کمک و دستگیری از مستمندان و گدایان ، از دیگر اقدامات اتحادیه به حساب می آید.

### نتیجه

دیکتاتوری رضاخان و سیاستهای ضد مذهبی وی ، نهاد روحانیت و تشکیلات دینی را ضعیف ساخت . از این رو بیم آن می رفت که پس از شهریور ۱۳۲۰ و ایجاد فضای جدید سیاسی و فرهنگی که تبلیغات ضد مذهبی حزب توده و افرادی مانند کسروی و اقدامات دربار شاهنشاهی را به دنبال داشت ، جامعه مذهبی از عهده به چالش کشیدن وضعیت جدید بر نیاید . اما دیری نپایید که نشریات مذهبی و تشکلهای دینی از سوی چهره های همچون حاج سراج انصاری و شیخ عباسعلی اسلامی پدید آمد و در اندک مدتی موفقیت های بزرگی به دست آوردند .

۱۱۳

### پانوشتها

- ۱- استادیار تاریخ دانشگاه لرستان .
- ۲- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۱ .
- ۳- همان ، س ش ۱ ، صص ۷ و ۸ .
- ۴- همان .
- ۵- حجت الاسلام گل سرخی ، مجله یاد ، ش ۷ ، ص ۴۳ .
- ۶- جعفریان ، رسول ، جریانها و جنبشهای مذهبی - سیاسی ایران ، تهران ، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، ۱۳۸۱ ش ، ص ۳۲ .
- ۷- گل سرخی ، همان .
- ۸- برای اطلاع بیشتر در این زمینه ، ر . ک : کریمی پور ، حمید ، جامعه تعلیمات اسلامی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۰ ش ؛ شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک ، مرکز بررسی اسناد تاریخی ، ۱۳۸۳ ش .
- ۹- برای اطلاع بیشتر از زندگی حاج سراج انصاری ر . ک : رسول جعفریان ، حاج مهدی سراج انصاری ستاره ای درخشان در عرصه مطبوعات اسلامی ، تهران ، مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع ، صص ۱۳۵ - ۱۳۸ .
- ۱۰- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۶ .
- ۱۱- حاج مهدی سراج انصاری ، ص ۱۳۹ .
- ۱۲- همان .
- ۱۳- همان .
- ۱۴- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۷ .

## فصلنامه مطالعات تاریخی

- ۱۵- حاج سراج چهره‌ای درخشان ، صص ۴۳ و ۴۴ .
- ۱۶- همان ، ص ۴۳ .
- ۱۷- جریانها و جنبشهای مذهبی ...، صص ۳۵-۳۷ .
- ۱۸- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه‌های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۱۵ .
- ۱۹- همان .
- ۲۰- همان ، س ش ۹ ، ص ۳ .
- ۲۱- همان .
- ۲۲- همان .
- ۲۳- همان ، س ش ۸ ، ص ۴ .
- ۲۴- همان ، س ش ۸۴ .
- ۲۵- همان .
- ۲۶- همان ، س ش ۲۳ .
- ۲۷- همان .
- ۲۸- حاج مهدی سراج انصاری ...، ص ۳۱۷ .
- ۲۹- همان .
- ۳۰- مسلمین ، ش ۱۱-۱۲ ، صص ۷۹-۸۲ .
- ۳۱- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه‌های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۱۱۷ .
- ۳۲- همان ، س ش ۶۳ .
- ۳۳- همان ، س ش ۶۶ .
- ۳۴- این حزب توسط دکتر مظفر بقایی تأسیس شد و اعضای آن از دانشجویان دانشگاهها ، بازاریان و اصناف بودند . در ابتدا از دکتر مصدق حمایت کردند ولی پس از قیام ۳۰ تیر به مخالفت با او برخاستند .
- ۳۵- این حزب در اثر انشعاب در کانون مهندسين در سال ۱۳۲۳ ش تأسیس شد . حزب ایران مجموعه‌ای از روشنفکران غیرمذهبی را به خود جلب کرد از قبیل الهیار صالح ، کاظم حسینی و دکتر سنجابی . اکثر وزرای دکتر مصدق عضو این حزب بودند .
- ۳۶- دکتر بقایی ، حائری زاده ، مکی ، حسینی ، محمد نریمان ، از نمایندگان مجلس پانزدهم بودند که در اعتراض به انتخابات مجلس شانزدهم به همراه مصدق در روز ۱۳۲۸/۷/۲۳ در کاخ شاه تحصن کردند و شالوده جبهه ملی را ریختند .
- ۳۷- آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، صورت جلسه‌های اتحادیه مسلمین ایران ، س ش ۱۱ .
- ۳۸- همان ، س ش ۹۶ .
- ۳۹- همان ، س ش ۹۹ .
- ۴۰- همان ، س ش ۹۸ .
- ۴۱- همان ، س ش ۱۱۷ .
- ۴۲- همان .
- ۴۳- همان ، س ش ۱۱۸ .
- ۴۴- همان ، س ش ۱۱۷ .
- ۴۵- همان .



اتحادیه مسلمین

- ۴۶- همان .  
۴۷- همان ، س ش ۱۲۴ .  
۴۸- س ش ۲۱ .  
۴۹- همان .  
۵۰- همان ، س ش ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ .  
۵۱- همان ، س ش ۹ .  
۵۲- همان ، س ش ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ .  
۵۳- همان .  
۵۴- برای اطلاع بیشتر نگ : حمید کرمی پور ، فصلنامه دانشگاه اسلامی ، جامعه تعلیمات پیش زمینه تأسیس دانشگاه اسلامی ، سال ششم ، شماره پانزدهم ، زمستان ۱۳۸۱ ، صص ۶۰-۶۲ .  
۵۵- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگ : خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۲ ، صص ۱۸۹-۱۹۱ .  
۵۶- حجت فلاح توتکار ، رضا مختاری اصفهانی ، اسنادی از انجمنها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی ، تهران ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۳ .  
۵۷- همان ، ص ۵۱ .  
۵۸- همان ، ص ۴۶ .